

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۱۶۰ - ۱۳۹

هویت انسانی در مقارنه اسلام و جهانی شدن و مواضع کلام کاربردی

قاسم شعبانی^۱
مژگان محمدی نائینی^۲
علیرضا فقیهی^۳

چکیده

امروزه سیستم فلسفی غرب در خدمت جهانی سازان با تأثیرگذاری‌های تبلیغاتی اقناعی رسانه‌های سایبری و دیجیتالی به عنوان نیروی محرکه اصلی فرآیند جهانی شدن، هویت و سرشت انسان معاصر را تهدید می‌کند که آن را باید نمود شرک نوین دانست. لذا در جوامع اسلامی به ویژه جامعه اسلامی ایران، ما باید برای حفظ بنیان‌های اعتقادی و ارزش‌های دینی با طرح مسائل جدید مانند: ضرورت و قلمرو دین و علم، سکولاریسم، پلولاریسم دینی و دین و حقوق بشر از منظر علم کلام جدید با بهره‌گیری از روش‌های مناسب و به‌طور مستمر در مراکز دانشگاهی و پژوهشی مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد، تربیت مبتنی بر ماهیت فطری انسان و بر اساس احکام و آموزه‌های دینی تضمین‌کننده انواع وجوه مختلف هویت‌های پسینی خواهد بود و در تقابل با چالش‌های جهانی شدن اتکا به کاربرد علم کلام جدید ضرورت می‌یابد.

واژگان کلیدی

جهانی شدن، چالش، فرصت، هویت، فطرت و تربیت دینی.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت (تعلیم و تربیت اسلامی)، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه.

Email: gh.shabbani@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mm.naeni@yahoo.com

۳. عضو هیئت علمی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

Email: faghihialireza@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۰ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۷/۳

طرح مسأله

جهانی شدن^۱ حاصل تحولات گریزناپذیر جوامع بشری است؛ گسترش روزافزون فناوری، دانش و پژوهش‌های انسانی و امکان دسترسی‌های واقعی و مجازی جوامع انسانی مختلف به یکدیگر، فرآیند نزدیک شدن آنها را به یکدیگر فراهم ساخته است؛ که در صورتی منطقی و قابل قبول است که این فرایند در راستای دستیابی به آینده روشن برای فرد و جامعه و با حفظ هویت^۲ انسانی و در زمینه تحقق عدالت گسترش و تجلی مهرورزی خالق جهان هستی بر مخلوقات به واسطه حکومت صالحان بر عرصه جهان و به منظور رشد و تعالی در مسیر کمال و سعادت حقیقی انسان اندیشمند، مؤمن و متعالی تحقق یابد. این در حالی است که امروزه جهانی‌سازان غربی با طرح‌های از پیش تعیین شده درصدد هستند که کنترل فرآیند جهانی شدن را بر عهده داشته و با ماهیت سلطه‌جویانه و اجرای اندیشه‌های اومانیستی، اهداف مادی گرایانه خود را متحقق نمایند. در غرب سلطه گر گسترش و پیشرفت علم محدود به یک حیظه بسیار محدود به نام عالم ماده می باشد و با کنار نهادن دین در واقع خود را از بخش مهمی از معارف انسان ساز محروم کرده است و این موضع را با برنامه‌های نرم افزاری منتج از سیاست‌های جهانی خود از طریق رسانه‌های فراگیر مجازی و دیجیتالی در برابر سایر ملل جهان تحمیل می نماید و آنان را نیز دچار شرک فلسفه اومانیستی خود می سازد.

در اندیشه دینی آدمی در جهان منزلت والایی دارد و آفریده و دست پرورده خداوند است و از این رو مکلف به انجام تکالیف الهی است و واقعیت و هویت خویش را در پرتو ارتباط با آفریدگار جستجو نموده و کمال خود را در بندگی و قرب به معبود می یابد؛ اما بر پایه اومانیسم^۳، انسان محور اساسی همه واقعیت‌ها و ارزش‌ها هست و همه چیز حتی خدا و دین نیز باید در ارتباط با او توجیه و تفسیر شوند؛ انسان موجودی خودمدار است که در مقابل هیچ مقامی غیر از خود، مسئولیتی ندارد و مجاز است به منظور کسب منافع، از

1. Globalization
2. Identity
3. Humanism

همه چیز و به هر صورت ممکن بهره برداری کند. انسان متجدد تحت تأثیر اومانیسیم، همه چیز را با مقادیر انسانی سنجیده و از همه امور تقدس زدایی می نماید. (سعیدی مهر و دیوانی، ۱۳۹۷: ۱۸)

از این رو انسان معاصر تصوّر می کند خود را آزاد کرده است و در این رویکرد چون دین را انکار نموده، پشتوانه خود را از دست داده و ناچار از انکار حقیقت شده است و تحت عنوان آزادی و پیشرفت علمی دچار جاهلیت در شکل نوین آن گردیده است. بنابراین با شناخت دیدگاه شرک آمیز اومانیسیم که خاستگاه هویت انسان معاصر است و تشکیل هویت انسانی مبتنی بر پایه های محکم دین، نگرانی از گرفتار شدن به شرک جدید مرتفع می گردد و در فرد و جامعه، هویت انسانی بر اساس بنیان های فطری، اعتقادات و ارزش های دینی استوار و شکوفا می گردد.

این در حالی است که انسان معاصر جهانی شده تحت تأثیر اومانیسیم (مکتب انسان منهای دین) و سیطره فردگرایی و حاکمیت لیبرالیسم آکنده از بحران ها و چالش ها و نابسامانی های فراوانی گردیده است. این بحران ها و معضلات در جهان معاصر به اندازه ای جدی، عمیق و گسترده است که با نگاهی به آنها نمی توان انسان معاصر را سعادتمندتر و کمال یافته تر از انسان سنتی و دینی دانست؛ بلکه قضیه برعکس است و انسان معاصر دست به گریبان بحران های معرفتی، اخلاقی و روانی بیشماری می باشد که شرح مفصل هر یک از آنها در این مجال نمی گنجد.

ما انسان را یک موجود الهی دارای ابعاد مختلف می دانیم که فقط بعد مادی ندارد، بلکه بعد الهی هم دارد و جنبه های معنویت و فطرت الهی در انسان وجود دارد. علم کلام متکفل بیان مبانی دینی است. بر اساس آموزه های اسلامی دین به سه بخش اعتقادات، اعمال و اخلاق تقسیم می شود یعنی جنبه های ملکات در اخلاق و جنبه های اعمال در فقه بحث می شوند. اصول دین نیز پایه و مبناست و کلام متکفل بیان اصول دین است. موضوع کلام اعتقادات اسلامی است و موضوع فلسفه نیز موجود بما هو موجود است و می تواند به کلام یاری رساند. بنابراین دانش کلام متکفل بیان مبانی دینی و اعتقادات اسلامی است. (برنجکار، ۱۳۹۵: ۲)

بنابراین بحران‌های گریبانگیر انسان در دوره جهانی شده‌ی معاصر در نگرش‌های واژگونه‌ی وی به ماهیت انسان، ویژگی‌ها، استعدادها و قابلیت‌ها و نیز غایت هستی‌اش برمی‌گردد که خاستگاهی مادی‌گرایانه داشته و از منشاء و حیانی اعتقادات و ارزش‌های دینی روی برتافته است؛ بنابراین ایمان آدمی به تعالیم و احکام دینی در مورد خداوند و آغاز و انجام انسان نقش مهمی در پیشگیری و درمان ناهنجاری‌های روانی ایفا می‌نماید و این نقش مورد تأیید بسیاری از روانشناسان و روانکاوان قرار گرفته است. کارل گوستاو یونگ^۱ (۱۸۷۵-۱۹۶۱) روانکاو شهیر سوئیسی می‌نویسد: در میان تمام بیماران میانسال من، یک نفر هم نبود که مسأله‌اش، مسأله یافتن یک نگرش دینی به حیات نباشد. یقیناً دلیل بیماری همه آنها این بود که فاقد آن چیزی بودند که ادیان زنده در هر عصری برای پیروان خود به ارمغان می‌آورند و هیچ‌یک از آنها نتوانست بدون بازیافت نگرش دینی خود واقعاً بهبود یابد. (یونگ به نقل از سعیدی مهر و دیوانی، ۱۳۹۷: ۲۸)

گرایش‌های ایمانی مذهب موجب آن است که انسان تلاش‌هایی علیرغم گرایش‌های طبیعی و فردی‌اش انجام دهد. و احیاناً هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد؛ این در صورتی میسر است که ایده انسان جنبه تقدس پیدا کند و حاکمیت بر وجود انسان بیابد. تنها نیروی مذهبی است که قادر است به ایده‌ها تقدس بخشد و حکم آنها را در کمال قدرت بر انسان جاری سازد. (مطهری، ۱۳۹۳: ۱۹)

به این ترتیب در اثر آموزه‌های دینی در انسان هویت و شخصیتی تشکّل می‌یابد که از آن به عبادت و پرستش خدای یگانه به عنوان کامل‌ترین ذات با کامل‌ترین صفات و منزّه از هرگونه نقص و کاستی تعبیر می‌شود که خالق و آفریدگاری رابطه او با جهان، آفرینندگی و نگهداری و قیاضیت، عطوفت و رحمانیت است؛ در غیر این صورت شخصیت نفسانی انسان تحت تأثیر عوامل محیط بیرونی به صورت فعلیتی شرک آمیز خواهد گشت.

علامه جعفری (ره) در این باره می‌نویسد: دین در ارتباط با حفظ هویت الهی فرد انسانی سفارش می‌کند که در شناخت معنی و فلسفه زندگی دقت داشته باشید، بر آگاهی

1. Carl Gustav Jung

های قطعی، روشن و عمیق تکیه کنید نه بر آنچه صرفاً به صورت حدسی، ظن و گمان به نظر تان می آید، زیرا توقّف در اینها هرگز معیار صحیحی برای شناسایی حق و حقیقت نمی باشد. در شناخت جهان، تنها به شناسایی ظاهر اکتفا نکنید، کنجکاو تر باشید و محققانه عمل کنید تا به آنچه در ورای این ظواهر وجود دارد و تکیه گاه و هستی بخش آنهاست راهی ببرید و آگاهی روشن و درخور اعتمادی در این باره به دست آورید. در همه مراحل زندگی به هدف نهایی، بازده نهایی و پایان کار (آخرت و معاد) توجّه داشته باشید. نه توجّه به هدف شما را از توجّه به نوع وسیله بازدارد و نه برعکس. (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۵۳)

ضرورت تحقیق

امروزه نیروی محرکه جهانی شدن از منظر سیستم فکری و فلسفی غرب را تأثیرات رسانه های فراگیر شامل شبکه های جهانی اینترنت، ماهواره ها و تجهیزات مختلف تلفن همراه و سایر رسانه های دیجیتال و سایبری تشکیل می دهند و تأثیر گذاری های تبلیغات اقناعی آنها هویت انسانی ملل جهان را تهدید می کند و آنان را مورد هجومه های مخاطره آمیز تجلیات جهانی شدن قرار می دهد و از این طریق زمینه های خودباختگی و پذیرش هویت های شرک آمیز در آنان فراهم می گردد. نگارنده معتقد است که در راستای موضوع این تحقیق باید تحقیقات متعدّد، گسترده و جامعی در واحدهای دانشگاهی و مراکز آموزشی و پژوهشی کشور به طور همه جانبه و مستمر انجام گیرد تا با به کارگیری یافته های آن جهت تعمیق و گسترش معارف دینی و عرضه آموزه های حیات بخش دین در قالب های نوین به گونه ای که با حفظ ماهیت الهی انسان، پاسخگوی نیازهای متنوع انسان معاصر در ابعاد و وجوه هویت های پسینی باشد و در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها، شاهد شکوفایی هویت دینی در جامعه اسلامی و مخصوصاً در نسل جدید باشیم و لذا ضرورت و اهمیت سخن از مباحث علم کلام امروزی و کاربردی از آن رو است که اتکا به ظرفیت های آن می تواند انسان را به واقعیات و تغییر و تحولات زمانه متوجّه سازد، زیرا راه برون رفت از چالش ها و بحران ها را در پاسخ به سؤالات بنیادین جستجو می نماید که در آن هویت انسانی را بازتعریف نموده و در عصر گسترش تکنولوژی های رسانه های مجازی، با اتکا بر نظامی کلامی و بر مبنای اصول اعتقادات دینی و نه اتکای صرف به عقل

بشری می‌توان در مواجهه با مشکلات به چاره‌جویی پرداخت.

روش تحقیق

محقق در طی این مقاله سعی دارد پیرامون موضوع آن با روش پژوهش کیفی و بر مبنای مطالعه کتابخانه‌ای و با استفاده از روش‌های استدلال و تحلیل عقلانی از منظری تطبیقی به هویت انسان در مقارنه اسلام و پدیده جهانی شدن و مواضع علم کلام کاربردی برای شکل‌دهی به هویت الهی انسان معاصر به تحقیق بپردازد. جامعه تحقیق شامل کتب، مجلات، مقالات علمی و پژوهشی معتبر، مرتبط و همسو با موضوع می‌باشد. گروه نمونه از نوع نظری در جامعه مزبور است که از آغاز تا انتها در طی فرآیند این مقاله تحقیقی توسعه یافته و اساس آن را مفاهیم و مسائل نظری تشکیل می‌دهند، بررسی و تحلیل منابع و داده‌های حاصل از آنها برای دستیابی به پاسخ سؤال تحقیق و تا رسیدن به حد کفایت ادله و درجه اشباع ادامه دارد. گردآوری داده‌ها نیز با مطالعه و بررسی منابع مکتوب و دیجیتالی و با ابزار فیش برداری و یادداشت‌نویسی و استخراج و استنباط از آنها انجام می‌گیرد.

پرسش تحقیق

چالش‌ها و فرصت‌های فراروی هویت انسانی در مواجهه با پدیده جهانی شدن

چیستند؟

هدف تحقیق

نقد و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های فراروی هویت انسانی در مواجهه با پدیده

جهانی شدن.

بحران هویت^۱ انسان ناشی از شرایط پدیده جهانی شدن

مفهوم بحران هویت ناشی از این شرایط که در اثر گسترش صنعت ارتباطات و شبکه‌های فراگیر مجازی، آزادترین محیطی هستند که بشر تاکنون با آن مواجه بوده است، به گونه‌ای است که این ابزارها و رسانه‌های ارتباطی جدید، منابع هویت‌ساز سنتی و معمول را در جوامع انسانی تضعیف و کارکرد آنها را با دشواری روبرو ساخته است و عموم کاربران و استفاده‌کنندگان از ابزارها و وسایل الکترونیک و دیجیتالی که به آسانی در

دسترس می باشند، مخصوصاً نسل جدید که بیشترین آنها را تشکیل می دهند، به طور طبیعی نمی توانند پاسخی برای پرسش های اساسی خویش بیابند و قطعاً برای ایفای نقش مفید و مؤثر در جامعه نیز انگیزه ای نخواهند داشت و از توانایی ها و استعداد های فطری و زوایای گوناگون وجود خویش، جایگاه خود در زندگی، هدف از زندگی و در نهایت از هویت فردی و اجتماعی خویش دچار غفلت و خودانگاره نامطلوب می شود. (شرفی، ۱۳۹۴: ۸۲)

هویت انسان به طور فطری ذوابعاد است و با توجه به اقتضائات و شرایط زمانی و مکانی شکل می گیرد و باید تحت هدایت، ارشاد، دستورات و آموزه های دین و مبتنی بر فطرت الهی و ماهیت درونی و کاشانه ضمیر انسان تشکّل یابد؛ در غیر این صورت در حیطه های اخلاقی، معنوی، روانی و اجتماعی، فرد و جامعه دچار بحران می گردند که حل آن فقط از طریق بازگشت به فطرت نخستین امکان پذیر است که در این مسیر نیاز به تربیت دارد که مراد از آن، ربوبی شدن و ربوبی ساختن آدمی است. لذا با این الگو، انسان شناسی اسلامی از مدل انسان شناسی در مکاتب مادی گرا جدا می گردد و این الگو بیان کننده ارتباطی اساسی بین خداشناسی، انسان شناسی و دین شناسی است.

امروزه تحت تأثیر تجلّیات پدیده جهانی شدن، اقشار مختلف جامعه و به طور خاص نسل جدید دارای مشکلات عظیمی در حوزه های روحی و روانی، معرفتی و اخلاقی هستند؛ زیرا از یک طرف تمایلات و گرایش های فطری، آنان را به سوی دین و مذهب فرا می خواند و از سوی دیگر تأثیرات و القائات برنامه ها و محتویات رسانه های مجازی در اذهان آنان نقش می بندد که تا حدّ بسیار زیادی در زندگی واقعی قابل دستیابی نیستند و می توانند پیامدهای چالش برانگیزی را در نگرش ها و عملکردهای آنان به همراه داشته باشند و آنان را دچار چالش هایی مانند اعتیاد به فضای مجازی و انزوای اجتماعی، تعارض ارزش ها بین نسل گذشته و نسل جدید، شکاف بین نسل ها، ترویج خرافه گرایی و عرفان های کاذب، آسیب های جسمی و ارتکاب جرائم سایبری و ضدّ اخلاقی می گردانند. (صادقی، ۱۳۹۴: ۳۷-۳۵)

تبیین پدیده جهانی شدن

منبع جهانی شدن چیست؟ منبع جهانی شدن را باید در درون انسان سراغ گرفت؛ بشر در بشریت یکسان است، فطرتشان یکی است، می‌تواند حقوق بشر جهانی و بین‌المللی باشد، در این صورت جهانی شدن چیز خوبی است، وحدت نوعی دارد، می‌تواند عامل وحدت باشد، یعنی غنی و فقیر در آن سهیمند و می‌توانند در کنار یکدیگر قرار بگیرند، اما آداب و سنن و رسوم متنوع و فرهنگ محلی و منطقه‌ای گوناگون می‌تواند مواد خود را از منبعی بگیرند که جهانی نیستند؛ بلکه منطقه‌ای، زیستی و زمانی هستند. بنابراین این منابع که برای فرهنگ و آب و خاک داخلی خوب است، نمی‌تواند جهانی باشد، آنچه که داعیه جهانی دارد، بنابراین مواد خود را نمی‌تواند از مبانی غیر جهانی بگیرد. بنابراین برای کل بشریت این جهانی شدن فطری خوب است و اگر مبانی منطقه‌ای و محلی و زمینی و زمانی باشد، برای فرهنگ منطقه‌ای و آداب و سنن عرفی آن خوب است، در غیر این صورت جهانی شدن به حقوق و ماهیت حقیقی بشر تحمیل می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۱۸)

بنابراین اگر غرب سلطه‌گر بخواهد ارزش‌های خود را به دیگران تحمیل نماید و یک الگوی واحد در دنیا رایج شود و درصدد غربی‌سازی جهان باشد، همچنان که از زمان هجوم استعماری غرب به کشورهای غیر اروپایی چندین قرن است که در همین راستا تلاش می‌کند، در واقع می‌خواهد مدیریت خاص خود را جهانی ساخته و به دیگر کشورها تحمیل نماید.

اگر تاریخ غرب را خصوصاً از دوره رنسانس مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم، در می‌یابیم که یکی از ویژگی‌های فرهنگ غربی اصالت دادن به قدرت است که اکنون در روح تفکر و فرهنگ آن رسوخ کرده است. این طرز تفکر بر اساس سلطه‌جویی و بهره‌برداری از دسترنج زیردستان بنا شده و ناشی از بینش مادی‌گرایانه است و امروزه بر سراسر جهان غرب حکم فرما است و آثار مخرب آن در تمام فعالیت‌های استکباری آنها دیده می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹)

بنابراین می‌توان متناسب با شرایط و نیازهای اجتماعی و استفاده از فرصت‌های ایجاد

شده توسط رسانه های فراگیر جهانی به بیان و طرح مباحث اعتقادی در فرآیندی علمی و منطقی روی آورد که چنین نگرشی بیانگر پاسخگویی اسلام به نیازهای مختلف روحی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی در فضای جهانی شده در این عصر و زمانه می باشد. استاد مطهری (ره) در این باره می نویسد، ائمه (علیهم السّلام) فرمودند: فروع را از اصولی که ما می گوئیم استخراج و استنباط کنید. فروع همان نیازهای فردی و اجتماعی مردم است. مانند بحث توحید در دو گستره نظری و اجتماعی که هدف اصلی توحید اجتماعی است. توحید نظری و توحید عملی فردی مقدمه لازم توحید اجتماعی است. توحید نظری مربوط به شناخت خداوند است و نظر به اینکه کمال انسان در توحید اجتماعی است و در ظرف اجتماع تحقق می یابد و این امر بدون توحید نظری و توحید عملی فردی میسر نیست، خداوند معرفت و پرستش خود را فرض کرده تا توحید اجتماعی محقق گردد. (مطهری، ۱۳۹۶: ۷۵)

بنابراین باید ببینیم جامعه چگونه از معنویت دینی برخوردار می گردد و در ساحت های معرفتی و اخلاقی گام های امیدوار کننده برداشته شود تا همبستگی و انسجام اجتماعی نیز تحقق یابد. در جهان بینی اسلامی انسان اشرف مخلوقات و نسبت به سایر موجودات از امتیازات خاص برخوردار است؛ جهان برای انسان آفریده شده و وجود او نه فقط از سوی خدا بلکه متعلق به خداوند است و بالذات و مستقل و متغایر با او نیست. بنابراین هرگونه اندیشه و باور مبتنی بر مکاتب الحادی همچون اومانیزم و سکولاریسم^۱، معرفت و شناخت واقعی از هویت انسان را زایل می سازد و با اتکا و انس با علم کلام دینی، انسان امیدوارانه و هدفمندانه در مسیر رشد و شکوفایی قرار می گیرد. لذا با رویکرد نظری به دین و مباحث ناظر به ارزش ها و سرگشتگی بشر امروز در عصر جهانی شدن، زمینه تبیین کارکردهای عملی دین را پوشش خواهد داد.

واقعیت این است که بنیه فکری مردم و نسل جدید ضعیف است و با اندک شبهه ای دچار مشکل می شوند. بحث «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» یعنی ما غایتی داریم و این جهان آخر خط نیست. این جهان یک معبر است، لذا غایت انسان این نیست که وضعش صرفاً در

این عالم خوب باشد، زندگی ابدی ما معاد است و باید دنیا را طوری برنامه ریزی کرد که سعادت ابدی تأمین شود. در حیات دینی ضمن اینکه زندگی آخرت هم تضمین می‌شود، آرامش این جهانی هم وجود دارد. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» یعنی کسی که ایمان دارد و در راستای فرامین خدا عمل می‌کند، آرامش دارد. بنابراین باید غایت را مشخص کرد و این کار دین و علم کلام است. (برنجکار، ۱۳۹۵: ۳)

به اعتقاد نگارنده در مجموع مهم‌ترین چالش‌ها و تهدیدات جهانی شدن عبارتند از: ۱- با توجه به ویژگی‌های عمده جهانی شدن از قبیل فشرده شدن زمان و مکان، ارتباطات سریع، سرعت بروز تغییرات و وقوع حوادث و بسط پلورالیسم فرهنگی و دینی در جوامع انسانی می‌توان تصور نمود که در این فضا و شرایط، رابطه میان فهم، عمل و اعتقاد دینی و نیز روابط اجتماعی به دلیل تنوع دریافت‌های فرهنگی و برداشت‌های متکثر از دین، اصول و مبانی اعتقادات دینی تضعیف گشته و گرایش به هویت‌های غیر دینی افزایش می‌یابد.

۲- فرهنگ مدگرایی و مصرف‌گرایی ناشی از پیروی از فرهنگ کفرآمیز غربی در اثر جهانی شدن گسترش می‌یابد و در تقابل با اخلاق مذهبی قرار می‌گیرد. در صورتی که در فرهنگ و معارف دینی از طریق اخلاق مذهبی، افق‌های روشن برای رستگاری و هدایت بشر مبتنی بر ماهیت فطری انسان ترسیم گردیده است.

۳- رواج و گسترش پلورالیسم دینی^۱ با توجه به کاهش اخلاق مذهبی که شالوده آن مبتنی بر فطرت یکسان بشری است، موجب ایجاد شک و تردید در مسلمات دینی و آموزه‌های جهانی آن و ترویج فرهنگ نسبی‌گرایی در اخلاق و اعتقادات می‌گردد.

۴- تشکیل هویت دینی کانون اصلی و محوری و تأمین‌کننده هویت‌های پسینی (خانوادگی، اجتماعی، قومی و ملی) است؛ در حالی که جهانی‌سازی با هجوم به هویت دینی در جهت گسترش منافع خود با ترویج هویت‌های شرک‌آمیز عمل می‌نماید و در نتیجه شالوده انواع هویت‌های پسینی را متأثر و دگرگون می‌سازد. لذا فرهنگ حاکم بر انواع ابزارها و رسانه‌های ارتباطی جدید مانند شبکه‌های جهانی اینترنت، ماهواره‌ها و

تجهیزات تلفن همراه و سایر رسانه های دیجیتال و سایبری دیگر، برای کاربرانی که بنیه فکری قابل توجهی نداشته باشند (مخصوصاً نسل جدید که بیشترین آنان را تشکیل می دهند) هویت زدا می باشد، نه هویت ساز، زیرا اصول اعتقادی و ارزش های فرهنگی که دستورالعمل های الهی اسلام را مطرح می نمایند، بر آنها حاکم نیست، بلکه فرهنگ سلطه جویانه و شرک آمیز غربی بر آنها سیطره دارد.

به این ترتیب هویت جویی که برای هر فرد یک نیاز روحی است در شیوه سالم آن بر اساس آموزه ها و تعالیم دینی و ویژگی های فطری انسانی لحاظ می گردد و برای انسان دینی، اعتقادات و ارزش های معنوی در درجه اول اهمیت قرار دارد؛ لذا در حالی که پیشرفت تکنولوژی های دیجیتال و رسانه های مجازی فراگیر امری مطلوب به شمار می آید و می توان از فرصت ها و منافع آن منتفع گردید، بایستی کوشش شود که در جهت اهداف انسانی و اخلاقی از آن بهره جسته و آماده بود که چنانچه آن مقدمه در خدمت این ذی المقدمه و هدف غایی نباشد، آن مقدمه را در راه اهداف متعالی دین فدا نمود.

در شیوه ناسالم هویت یابی فرد با بحران معرفت نفس مواجه می شود؛ این بحران در اثر پیشرفت سریع و خیره کننده در علوم آفاقی و شناخت جهان بیرون، بشر را دچار غرور و احساس بی نیازی از معرفت خویشتن و نفوذ به دنیای درون آدمی نموده است؛ به گونه ای که خود را نیازمند عامل دیگری غیر از علوم تجربی و شناخت عالم خارج نمی بیند و حتی در شناخت درون نیز صرفاً بر ابزارهای علوم تجربی جدید متکی است؛ لذا از درک کامل جهان نفسانی خود عاجز است و با نوعی بحران در معرفت نفس مواجه گردیده است. (شرفی، ۱۳۹۶: ۷۱)

از این رو با تبیین معرفت نفس و ماهیت فطری و باطنی بر اساس انسان شناسی و معرفت شناسی دینی می توان از بحران بوجود آمده رهایی یافته و هویت انسانی را از آنچه که تحت تأثیر دنیای مجازی رسانه های فراگیر مانند شبکه های جهانی اینترنت، ماهواره و تجهیزات تلفن همراه و سایر ابزارهای دیجیتال در شکل گیری شخصیت افراد انسانی دخالت دارند، بازشناسی نمود. در اینجا نکته مهم این است که تحت تأثیر برنامه های چالش برانگیز و تهدیدات ابزارهای فراگیر جهانی مذکور انسان دچار خودفراموشی می

گردد. معنای ساده خودفراموشی این است که انسان خود حقیقی خود را فراموش کند و به درستی نداند که غایت و مقصود آن چیست؟

در بینش قرآنی، خودفراموشی حاصل و نتیجه خودفراموشی است. آنجا که می فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ» یعنی همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، پس خدا نیز آنان را به خودفراموشی گرفتار کرد. (سوره حشر آیه ۱۹) و علت آن کم‌رنگ شدن رابطه آدمی با خدا و به تدریج قطع پیوندهای میان مخلوق و خالق است؛ زیرا همانگونه که خداوند می فرماید: «فَادْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ» یعنی به یاد من باشید تا یاد کنم شما را (سوره بقره آیه ۱۵۲) و متقابلاً از یاد خدا غافل شدن و بریدن از او زمینه ساز خودفراموشی است و در حقیقت خودفراموشی موجب می شود آدمی دچار از خودبیگانگی شود، و خود واقعی خود را فراموش نماید، زیرا غایت و مقصود خود واقعی انسان رسیدن به خداوند می باشد. (شرفی، ۱۳۹۶: ۷۴)

لذا چون تربیت دینی و اعتقادی انسان‌ها یکی از مهم‌ترین اهداف حاکمیت دینی است، لازمه برنامه ریزی درست، تصویری روشن از نیازهای اعتقادی و کلامی جامعه است تا بر اساس آن بتوان اقدامات لازم را برای توسعه و تعمیق اصول بنیادی اسلام سامان داد. در جوامع اسلامی و بین ملل مسلمان، حکومت‌ها می‌بایست مبانی فرهنگ دینی را احیاء و تقویت نمایند تا تهاجم فرهنگی جهانی سازان غربی روی آنها اثر نگذارد؛ همچنان که در قرن دوم و سوم هجری، یکی از مهم‌ترین اقدامات مسلمانان این بود که کتاب‌های زبان‌های دیگر را به زبان عربی ترجمه کنند تا ببینند دیگران چه گفته‌اند و اگر با عقل سلیم و فطرت و با مبانی و عقاید اسلامی مغایرت دارد، عملاً پاسخ آنها را بدهند و رویکرد به علم کلام جدید^۱ هم بر اساس این واقعیت به وجود آمد که بتوانند در برابر کفریات دیگران از مبانی اسلامی دفاع کنند. (ولایتی، ۱۳۹۴: ۵۸)

به این ترتیب گرایش افراطی به استفاده از ابزارهای تکنولوژیکی جدید در جوامع انسانی باعث غفلت و فراموشی انسان‌ها از فطرت خداجوی خود می‌شود؛ در حالی که تربیت دینی به دنبال بیدار ساختن فطرت بر مبنای آموزه‌های وحیانی است تا از وقوع

هرگونه بحران معرفتی، اخلاقی، روانی و اجتماعی جلوگیری و ممانعت به عمل آید. لغت فطرت در قرآن آمده است (سوره روم آیه ۳۰) و ماده فَطَرَ (ف، ط، ر) مکرر آمده و در همه جا در مفهوم این کلمه ابداع و خلق است و لغت فطرت و معنی آن در مورد انسان و رابطه او با دین آمده و مراد از آیه مذکور یعنی آن گونه خاص از آفرینش که ما به ایشان داده ایم، به این معنی است که انسان به گونه ای خاص آفریده شده است. به این کلمه امروزه می گویند ویژگی های انسان، اگر ما برای انسان یک سلسله ویژگی ها در عصر خلقت قائل باشیم، مفهوم فطرت را می دهد. فطرت انسان یعنی ویژگی هایی که در اصل خلقت و آفرینش انسان وجود دارد. (مطهری، ۱۳۹۶: ۴۲)

علامه طباطبایی (ره) ضمن بیان اینکه فطرت انسان طالب سعادت حقیقی بوده که وصول به کمال و نیل به قلّه حیات روحی و مادی (که همان دین الهی است) می نویسد: و اما انحرافات که در سیر انسانی به سوی هدف و نیز در سیر او به سوی ارتقاء نوعی خود به اوج کمال واقع می شود، از ناحیه خطا در تطبیق است نه به جهت بطلان پذیری حکم فطرت؛ بنابراین بسیاری از اموری که آدمی در طول حیات خویش به آنها عشق می ورزد و تمایل نشان می دهد، امیال کاذبی بیش نیست و میل او به جای دیگری است، لیکن فعلاً لباس محبوب را در تن آن دیده است. لذا به سوی آن کشش می یابد که گاه این کشش خالی از تصنع و تکلف نیست. (حسینی قائم مقامی، ۱۳۹۴: ۵۸)

لذا هویت دینی انسان مبتنی بر فطرت است و با درک چنین تعریفی از هویت که پایه و اساس تعیین اصول و روش های تربیت اسلامی متناسب با آن را مشخص می سازد و به عنوان معیارهایی هستند که هرگونه خطا و انحراف را تصحیح نموده و هرگونه بحران را برطرف ساخته و از آن جلوگیری می نمایند.

بسیاری از چیزهایی که عقل آنها را درک می کند و یا به صورت فطری در نهاد انسان هست تا هدایتگر انسان به سوی کمال و سعادت باشد، بر اثر اهتمام به مادیات و غلبه گرایش حیوانی بر انسان و یا بر اثر تبلیغات سوء، مورد غفلت و فراموشی واقع می شوند. اما با یادآوری آن مطالب از سوی انبیای الهی و بیدار کردن فطرت خفته انسان ها، دیگر بار آنها مورد توجه قرار می گیرند و در جهت هدایت و تربیت انسان مؤثر واقع می شوند. از

این روست که خداوند، قرآن و پیامبر را تذکر و ذکر و تذکر دهنده می خواند: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ» غاشیه/۲۱ یعنی پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای. همچنین «وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ» حاقه/۴۸ یعنی در حقیقت قرآن تذکاری برای پرهیزکاران است. امام علی (ع) در این باره در کتاب شریف نهج البلاغه خطبه ۱ می فرماید: پس خداوند رسولانش را در میان آنان برانگیخت و پیامبرانش را پی در پی به سوی آنان روانه ساخت تا وفای به پیمان فطرت را از آنها بخواهند و نعمت های فراموش شده او را یاد آور شوند و با ابلاغ وحی الهی، حجت را بر آنان تمام کنند و گنجینه های عقول را بر ایشان آشکار سازند. (سبحانی، ۱۳۹۶: ۵۵)

این در حالی است که در طی فرآیند جهانی سازی یا غربی سازی جهان، انسان تحت تأثیر اندیشه های اومانیستی حاکم بر آن، همه چیز را با مقادیر و موازن انسانی می سنجد و از همه امور مقدس، تقدس زدایی می نماید.

در دوران رنسانس یک واژه مورد احترام و اعتبار قرار می گرفت و از پیش سراسر برنامه تمدن جدید را در خود خلاصه می کرد. این واژه، واژه اومانیسم (فلسفه ای که بشر را معیار ارزش می داند) است. در واقع منظور از این واژه این بود که همه چیز را محدود به موازن و مقادیر بشری محض سازند و هر اصل و طریقی را که خصلت برین داشت، به صورت انتزاعی و مجرد درآورد و حتی بر سبیل تمثیل می توان گفت مقصود این بود که به بهانه تسلط بر زمین از آسمان روی برتابد. (رنه گنون^۱ به نقل از سعیدی مهر و دیوانی، ۱۳۹۶: ۱۹-۱۸)

این مطلب حاکی از این است که انسان ها با مشغول شدن به امور دنیوی از دین و یاد خدا غفلت می ورزند و چون نسبت به حیات خود و جایگاهشان در جهان هستی توجیه لازم نمی شوند، دچار بحران در زمینه های اخلاقی، تربیتی، روانی و معنوی می شوند و راه برون رفت از این بحران ها داشتن جهان بینی جامع و فراگیر است که جز در پرتو دین و تعالیم وحیانی و اخلاقی الهی همراه با تعقل ورزی و تدبّر عالمانه و تدبیر صحیح آنها بر اساس مقتضیات زمانه میسر نیست و چنین جهان بینی با استفاده از وحی و دین و بر پایه

استدلال عقلی امکان پذیر خواهد شد و چنانچه جهان بینی مادی، تجربی و علمی صرف و متکی بر فناوری و استفاده غیرمنطقی و بی رویه از دستاوردهای تکنولوژیک و پیشرفت های علمی همراه باشد، با اخلاق، سعادت و کمال یابی انسان و انسانیت وی در تعارض قرار می گیرد و انحراف از هویت انسانی را به دنبال خواهد داشت.

انسانی که سابق بر این، بنیاد جهان را وجود خدا می دانست و اتفاقات عالم را اراده او می دانست، حالا با این ایده روبرو شد که خودش همه کاره است و موج انسان گرایی با طرح اندیشه های اومانستی و لیبرالیستی در دوره رنسانس در قرن ۱۵ آغاز و در قرن ۱۸ به اوج خود رسیده و در این زمان در غرب قائل شدند که انسان می تواند و باید همه چیز را با عقل نقاد خویش و با روش های پوزیتیویستی (تجربی و آزمایشگاهی) بررسی کند. کسانی که پیرو این دیدگاه فلسفی بودند، گفتند که کتاب مقدس هم با دیگر امور فرقی ندارد؛ بنابراین باید به آزمایشگاه علم برود و عالمان الهیات مسیحی در برابر این جریان برای دفاع از ایمان مسیحی و تطبیق آن با وضع جدید تلاش های بسیار کردند که حاصل آن، پیدایش علمی به نام الهیات جدید مسیحی یا کلام جدید بود. در فرهنگ اسلامی نیز اولین بار توسط شبلی نعمانی نگارش تاریخ کلام جدید مطرح گردید و سپس استاد شهید مطهری (ره) در مباحث کلامی خود بر آن تأکید ورزیدند و امروزه علم کلام جدید علاوه بر دفاع از اصول و عقاید دینی (خدانشناسی و معادشناسی) به قلمرو انسان شناسی و دین شناسی نیز نظر دارد و در راستای اصول و عقاید دینی به مسائل مربوط به آنها نیز می پردازد. (صادقی، ۱۳۹۶: ۲۱)

نکته اساسی این است که با توجه به تحقیقی بودن باورها و اعتقادات و عدم تقلیدی بودن آنها و دفاع از اصول دین و اعتقادات اسلامی در علم کلام اسلامی که دانشی است که به بحث پیرامون اصول اعتقادی و جهان بینی بر مبنای استدلال عقلی و نقلی می پردازد و به شبهه هایی که در این زمینه مطرح می شود، پاسخ می دهد. امروزه مسائل جدیدی مطرح شده که در گذشته مطرح نبوده و بنیان های اعتقادی و باورهای دینی را دچار تهدید می سازد. لذا می بایست مسائلی مانند ضرورت و قلمرو دین، انتظار از دین، سکولاریسم، پلورالیسم دینی، دین و سیاست، دین و حقوق بشر و بحث درباره حکیمانه و خیرخواهانه و

هدفمند بودن دستگاه تکوین و تشریح از منظر دین در علم کلام جدید با تلاش متکلمان مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۱۹-۱۸)

در اندیشه دینی در مقایسه با مکاتب اومانیسم هر چند انسان در جهان منزلت والایی دارد و از امتیازات خاصی در کل آفرینش برخوردار است، آفریده و دست پرورده خداوند و از این رو مکلف به انجام تکالیف الهی است بدین ترتیب فرد مکلف، حقیقت و هویت خود را در ارتباط با خالق جهان هستی جستجو می نماید و کمال خود را عبودیت و قرب به معبود و توحید می یابد.

عبودیت، آدمی را با حقیقت خویش آشنا و همراه می کند، هر چه انسان در منازل و مراتب عبودیت حق بالاتر رود، به حقیقت انسانی خود نزدیک تر می شود؛ زیرا انسان والاترین جلوه خداوند است و هر چه در عبودیت پیش می رود، بیشتر این استعداد را جلوه می بخشد و به مقام انسانی که شایسته آن است، نزدیک تر می شود. آدمی با گام نهادن در مسیر عبودیت، به مقام بندگی واصل می شود و در نسبت و ارتباط با دیگر آدمیان، خود را در جایگاه خدایی نمی بیند و هرگز گردن فرازی و خودکامگی نمی کند، بلکه خود و دیگران را بندگان پروردگاری می بیند که جز او خدایی نیست. چنین نگرشی زمینه ساز سلوک معنوی و روابط انسانی می شود؛ چنانکه امیرمؤمنان علی (ع) در ضمن خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می فرماید: «فَإِنَّمَا أَنَا وَ أَنْتُمْ عِبِيدٌ مَمْلُوكُونَ لِرَبِّ لَّا رَبَّ غَيْرُهُ» جز این نیست که من و شما بندگان مملوک پروردگاری هستیم که جز او پروردگاری نیست. (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵: ۱۷۶)

اما بر پایه مکتب اومانیسم که روح حاکم بر جهانی سازی غرب است، انسان محور و اساس همه واقعیت ها و ارزش ها است و همه چیز حتی خدا و دین نیز باید در ارتباط با او توجیه و تفسیر شوند و از این طریق، اندیشه های سکولاریسم طراحي می شود. در این مکاتب مادی گرا، انسان موجودی خودمدار است که در مقابل هیچ مقامی غیر از خود مسئولیت ندارد و مجاز است به منظور کسب منافع خود از همه چیز و به هر صورت ممکن بهره برداری نماید و عوامل مذکور به همراه حاکمیت لیبرالیسم و سیطره فردگرایی برای انسان معاصر، جهانی را پدید آورده که در عین پیشرفت در تکنولوژی، آکنده از بحران ها،

تنش‌ها و نابسامانی‌ها است و به اندازه‌ای جدی، عمیق و گسترده است که با نظر به آنها نمی‌توان انسان متجدّد را سعادتمندتر از انسان‌های قرون گذشته دانست.

علامه جعفری (ره) در این باره می‌نویسد: بازیگران صحنه حیات بشری مجال ندادند که مردم حق طلب و واقعیت‌گرا این سؤال را مطرح کنند که بسیار خوب، صنعت یک نمایش بسیار عالی عالم است و منکر آن از خرد و منطق محروم است؛ اما آیا اجازه می‌دهد از شما بپرسیم که این صنعت که یک پدیده فوق‌العاده است، طبیعت و پدیده‌هایی پیچیده و ظریف آن و معادن گوناگون را دگرگون ساخته، و این همه پدیده‌های بهت‌انگیز را به وجود آورد؛ آیا این‌ها همه به تنهایی حیات بشر است؟ آیا باید بشر طرز ارتباط و بهره‌برداری از صنعت را در راه حیات معقول خود درک کند و در اسارت آن درنیاید؟ انسان‌هایی که با خودشناسی و خودسازی سروکار ندارند، نمی‌توانند از ورود عوامل مهلک و مخرب به حوزه شخصیت خود جلوگیری کنند و نه از وارد کردن ضرر و تباهی به دیگر انسان‌ها امتناع ورزند و این از یک امر کاملاً طبیعی سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا کسی که احترام بر ذات خویش ندارد، حتماً دیگران را مراعات نخواهد کرد. بی‌اعتنایی به شناخت خویشتن و قناعت ورزیدن به اینکه من احساس می‌کنم و لذت می‌برم و شکست می‌خورم و پیروز می‌شوم و بس و حیات معقول را بی‌اساس دانستن، کشنده‌ترین مبارزه با خویشتن است که مخصوصاً نسل جوان و به دنبال آن، کل مجامع انسانی را تهدید می‌کند. (جعفری، ۱۳۹۴: ۲۶)

با وجود چالش‌ها و بحران‌های بیشمار پدیده جهانی شدن که تاکنون بحث و بررسی گردید؛ بدون شک رشد روزافزون وسایل فراگیر مجازی، فواید و اهمیت غیر قابل انکاری نیز دارد و نقش محوری آنها چنان اساسی و جایگاه مهمی را احراز نموده که امروزه بدون آنها برنامه‌های رشد و توسعه و بهره‌برداری در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی امکان‌پذیر نیست. این رسانه‌ها به طور اجتناب‌ناپذیر توانسته‌اند بسیاری از نیازهای آدمی را تأمین نمایند. بنابراین سخن گفتن از آفات و تهدیدات چالش برانگیز آنها به معنی نفی این تجلّیات مثبت فرصت‌های ایجاد شده در پدیده جهانی شدن و نگاه منفی به آنها نیست که بی‌چون و چرا تحمیل شده باشند؛ بلکه با در نظر گرفتن ماهیت فطری

انسان و فراخوانی به هویت دینی و نیز تعقل و رزی و تقوایشگی که دو رکن مهم و اساسی در آموزه های اسلامی هستند و در نتیجه با مدیریت صحیح، فرهنگ سازی و پالایش قدرت نرم افزاری رسانه های مجازی و جهت دهی صحیح به آنها می توان استفاده فراوانی از آنها نمود.

با روی آوری و به کارگیری تکنولوژی های جدید رسانه ای و ارتباطات که در سطح جهانی و بین المللی از طریق میلیون ها شبکه به یکدیگر متصل هستند، می توان از فرصت ها و جنبه های مثبت آنها به عنوان یک رویکرد در راستای حفظ هویت انسانی خود بهره برداری نمود. این فرصت ها عبارتند از دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، گسترش تعاملات و تبادل نظرها با سرعت بسیار بالا، ایجاد دانشگاه و کتابخانه مجازی، کاهش هزینه های اقتصادی و اجتماعی، گسترش عدالت رسانه ای و تولید محتوای دینی و پاسخ به شبهات کفرآمیز و تفرقه افکنانه. (صادقی، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۷)

و به این ترتیب می توان ضمن استفاده از جنبه های مثبت پدیده جهانی شدن از نتایج حاصل از مطالعات و بررسی های دین پژوهی در راستای بهره گیری صحیح از یافته های سایر علوم و تکنولوژی های جدید در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های جامعه اسلامی و در سازمان ها و مراکز مختلف و در سطوح و اقشار مختلف مردم و خانواده ها و افراد و آحاد جامعه با روش های مناسب بهره برداری نمود تا شاهد شکوفایی استعدادها و توانمندی ها مبتنی بر تربیت دینی و احراز هویت های پسینی شامل خانوادگی، اجتماعی، قومی و ملی بر مبنای ماهیت فطری انسان باشیم.

نتیجه گیری

نتیجه ای که از مباحث این تحقیق حاصل می گردد این است که امروزه اسلام در برابر مکاتب مادی گرا و نظام های مترتب بر آنها که در نظام سلطه غرب مستحیل گردیده اند، مطرح است و در حالی که فرآیند جهانی شدن که امری اجتناب ناپذیر است و جوامع انسانی را به یکدیگر نزدیک تر می نماید، نظام سیطره جوی غرب در صدد است کنترل آن را بر عهده داشته باشد تا فرهنگ خود را در سایر کشورهای جهان تثبیت نماید و در این صورت این فرهنگ تحمیلی بستری می شود برای اینکه سیاست های خودشان را اعمال نمایند و در نتیجه جوامع دیگر در اثر خودباختگی، مصرف کننده تولیدات غرب خواهند شد و غرب سلطه گر بر کشورهای جهان سیطره می یابد و موضع استعماری آنها به اشکال جدید ادامه خواهد یافت.

جهانی شدن فرآیندی است که به طور گریزناپذیر در حال وقوع مستمر است و نشانه بارز رشد و تعالی جوامع انسانی و بروز و فعلیت یافتن استعدادها و توانایی های بشری را در پی دارد. سلطه جویان و سیطره طلبان جهانی می خواهند آن را تحت کنترل و مدیریت خود درآورند و بر دیگر جوامع سیطره یابند. آنان به دنبال اهداف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود با روش های تبلیغات اقناعی و با بهره برداری از ابزارها و رسانه های جدید سایبری و تکنولوژی های دیجیتالی مانند اینترنت، ماهواره و تجهیزات تلفن همراه به تحمیل فرهنگ توسعه طلبانه خود در بین کشورهای ضعیف و کمتر توسعه یافته می پردازند و در صدد سیطره یافتن در قالب استعمار جدید بر جوامع انسانی و غارت منابع انسانی و طبیعی آنها هستند. جوامع انسانی به خصوص نسل جدید که به سهولت و با آزادی بی حد و حصر و بی سابقه، این تکنولوژی های مجازی را در دسترس دارند دچار خطا و انحراف از فطرت و هویت انسانی خود گشته و در نتیجه دچار بحران های معرفتی، معنوی، اخلاقی، روانی و اجتماعی می گردند. لذا جهانی شدن در صورتی قابل قبول و موجّه است که مبتنی بر فطرت زوال ناپذیر و یکسان بشری و حقیقت واحد انسان ها که همانا کمال طلبی انسان در سیری بی نهایت و با شکوفایی استعدادها و قوای نهفته در انسان تحت هدایت آموزه

های و حیانی و دینی صورت می پذیرد، باشد.

غرض ورزی ها و القائات نفسانی جهانی سازان نمی تواند هیچ خیر و مصلحتی را به دنبال داشته باشد. پس جوامع انسانی به ویژه جامعه اسلامی ایران باید با تمسک به قرآن و توسل به پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) که نتیجه آن، اخذ دستورات الهی است، با کسب معرفت دینی، تعقل ورزی و تقوای پیشگی در تقابل با پروژه های جهانی سازی سیطره طلبان جهانی و چالش های جهانی شدن، الگوی سبک زندگی اسلامی را محقق سازند تا بتوانند هویت انسانی خود را احراز نمایند و به سوی تحقق جامعه واحد جهانی اسلام گام بردارند. به این ترتیب آنچه که در این مقاله تحقیقی بدان پرداخته شد، یادآور تنها گوشه ای از معضلات و بحران های ناشی از جهانی شدن و سلطه جهانی سازان غربی را بر جوامع انسانی بازگویی نموده است. نکته مهم این است که انسان معاصر به نقش علوم و معارف دینی در حل بحران ها پی برده و با شناخت و اتکاء به مواضع علم کلام جدید اسلامی در مورد انسان شناسی دینی به سوی ایمان مذهبی بازگشت نموده و از گرایش به مکاتب شرک آمیز اومانیستی روی برتافته و برای او مجال تأمل در معنویات الهی و بازگشت به سنت ها و احکام دینی فراهم گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. برنجکار، رضا، (۱۳۹۵)، علم کلام، قم، انتشارات دانشگاه قرآن و حدیث.
۲. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۶)، حقوق بشر، قم، مرکز نشر اسراء.
۳. جعفری، محمدتقی، (۱۳۹۴)، نفوذ فرهنگ در جوامع انسانی، تهران، انتشارات تربیت.
۴. حسینی قائم مقامی، سید عباس، (۱۳۹۴)، تأملات فلسفی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۵. خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۹۶)، درآمدی بر کلام جدید، قم، انتشارات کتاب طه و نشر معارف.
۶. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۹۵)، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، قم، نشر معارف.
۷. سبحانی، جعفر، (۱۳۹۶)، اندیشه اسلامی، قم، نشر معارف.
۸. سعیدی مهر، محمد، و دیوانی، امیر، (۱۳۹۶)، معارف اسلامی، قم، نشر معارف.
۹. شرفی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، دنیای نوجوانان، تهران، انتشارات تربیت.
۱۰. صادقی، هادی، (۱۳۹۶)، درآمدی بر کلام جدید، قم، انتشارات کتاب طه و نشر معارف.
۱۱. صادقی، محمود، (۱۳۹۴)، احکام رایانه و اینترنت، قم، نشر معروف.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۴)، تهاجم فرهنگی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶)، آشنایی با علوم اسلامی جلد دوم کلام و عرفان و حکمت عملی، قم، انتشارات صدر.
۱۴. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶)، فطرت، قم، انتشارات صدر.
۱۵. ولایتی، علی اکبر، (۱۳۹۴)، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نشر معارف.

